

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جشنواره رادیو- ۳

برنامه‌های گزارشی و مستند گزارشی

والتراد آختن

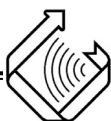
به کوشش: مراد مهدی‌نیا

دفتر پژوهش‌های رادیو

اردیبهشت ۸۵

تهران

مجموعه حاضر، بازنویسی سخنرانی خانم آختن در کارگاه‌های آموزشی ششمین جشنواره بین‌المللی برنامه‌های رادیو در اردیبهشت ۱۳۸۴ (زیباکنار) می‌باشد. پیاده‌سازی نوارها توسط آقای کوروش نسبی تهرانی انجام شده است.



نام کتاب: برنامه‌های گزارشی و مستند گزارشی

به کوشش: مراد مهدی‌نیا

پیاده‌سازی نوارها: کوروش نسبی تهرانی

حروف‌نگار: سعیده صولتی

ناشر: طرح آینده

شماره پژوهش: ۴۶۷

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

تهران، خیابان ولیعصر، خیابان جام‌جم، صداوسیما جمهوری

اسلامی ایران، ساختمان شهدای رادیو

تلفن: ۲۲۱۶۷۷۰۸ نمابر: ۲۲۰۵۳۲۰۲

هرگونه استفاده کلی منوط به اجازه کتبی از دفتر پژوهش‌های

رادیو می‌باشد.

از آنجایی که موضوع بحث بسیار گسترده است، به ناچار سعی می‌کنم بر جنبه‌های مهم‌تر آن تأکید کنم و مباحثی را که بیشتر اهمیت دارد، مطرح نمایم.

دلیل اینکه می‌خواهم این بحث را به‌طور دوجانبه پیش ببرم و شما هم در بحث و گفتگو مشارکت داشته باشید این است که من خیلی اطلاع ندارم کار شما در رادیو چیست و شما چه فعالیت‌هایی در رادیو انجام می‌دهید؟ امروز صبح آقای دکتر خجسته بر اهمیت روابط متقابل بین سازمان‌های رادیویی مختلف دنیا تأکید کردند و من فکر می‌کنم بحث ما در این جلسه تمرین کوچکی برای چنین عملی خواهد بود.

چون موضوع صحبت ما گزارش و مستند گزارشی است، اگر در بین دوستان، گزارشگری وجود دارد لطفاً بفرمایید از نظر شما مهم‌ترین و بنیادی‌ترین وظیفه در شغل گزارشگری چیست؟

- فکر می‌کنم انتخاب سوژه باشد و گزارشگر خوب گزارشگری است که خوب گوش کند. وقتی خوب گوش کرد می‌تواند خوب سؤال کند.

- گزارشگر علاوه بر موضوعی که قبلاً سوژه‌یابی و پیگیری کرده، باید خودش یک کارشناس جامعه‌شناسی و مردم‌شناس باشد، ولو اینکه تحصیلات

دانشگاهی هم نداشته باشد. چون تا فرد یا گروه و یا جامعه‌ای را که می‌خواهد با آن ارتباط برقرار کند شناسد، نمی‌تواند سوژه مورد نظر خودش را مطرح کند. پس از این مرحله باید شنونده بسیار خوبی باشد و یک فرصت‌طلب، که بتواند بموقع سؤالات خودش را مطرح کند و پاسخی که در نظر دارد، بپرسد و در عین حال شنونده خودش را هدایت کند.

از پاسخگویان تشکر می‌کنم. اما آن چیزی که مهم‌تر از همه اینهاست این است که آغاز و ابتدای فعالیت گزارشگری چیست؟ این کلمه یعنی واژه «Report» از دو جزء Re و Port تشکیل شده است، به معنی چیزی را به جای اصلی خودش بازگرداندن و دوباره آوردن.

- در واقع گزارشگر در گزارشی که به مخاطب ارائه می‌کند باید به این سؤالات هم جواب بدهد چه وقت؟ چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ پاسخ این سؤالات را حداقل خودش باید بداند و بتواند به شنوندگان هم ارائه دهد. همچنین باید به این مسئله توجه کند گزارشی را که ارائه می‌دهد، به چند درصد از مخاطبان و یا چه طبقه‌ای از آنها مربوط می‌شود.

البته مطالبی را که ذکر کردید بیشتر برای گزارش‌های خبری صحیح است.

- ما تعریفی از گزارش داریم و آن اینکه گزارش گونه‌ای از پیام رادیویی است که گزارشگر به بیان رویداد، واقعیت یا حادثه‌ای در خارج از استودیو می‌پردازد.

من منتظر همین پاسخ بودم و آن را می‌پذیرم. منظور شما از پیام چیست؟

- در واقع گزارش، یک فرمت و یا گونه‌ای از ساختار رادیویی است که در آن یک رویداد یا واقعیت مطرح می‌شود.

حالا به این سؤال می‌پردازیم که چه فرم یا چه فرمتی را برای گزارش کردن سر صحنه انتخاب می‌کنیم و چگونه این کار را انجام می‌دهیم؟ وقتی می‌خواهید از یک رخداد خارج از استودیو گزارش تهیه کنید آن را به چه شکل انجام می‌دهید؟ به‌عنوان مثال همین برگزاری نشست‌ها در زیباکنار را به چه نحو گزارش می‌کنید؟

- فکر می‌کنم اولین قدم تصویرسازی ذهنی است. یعنی ما به مخاطبان یاد می‌دهیم آن چیزی را که نمی‌بینند از طریق بیان کلمات، آن را در ذهن خودشان

تصویرسازی کنند. به عبارت دیگر تصویرسازی ذهنی مخاطب را فعال کنیم.

خوب گزارشگر با چه وسیله‌ای این کار را انجام می‌دهد؟

- به‌نظر من شرط اول دقت بالای خود گزارشگر یا هر کسی است که می‌خواهد آن گزارش را اجرا کند و در واقع از منظر مخاطب آن را بیان نماید. چون آن چیزی که من دارم می‌بینم با آن چیزی که قرار است مخاطب بشنود و در ذهن خودش طراحی کند متفاوت است. از اغراق هم باید بپرهیزد، یعنی خیلی شفاف و واضح و با زبان ساده آن را در اختیار مخاطب خودش قرار بدهد.

برای بیان چنین گزارشی یک راه این است که شخص رخدادی را بازدید کرده و سپس در منزل بنشیند و گزارش آن را به‌صورت کتبی بنویسد. راه دیگرش هم این است که با تلفن آن گزارش را ارائه کند. به‌نظر شما چه راه‌های دیگری وجود دارد؟

- مصاحبه

یعنی گزارش با فرمت مصاحبه انجام شود؟

- اول درک موضوع، دوم توصیف آن و بعد در صورت لزوم، مصاحبه. به عبارت دیگر مصاحبه می‌تواند به عنوان یک ابزار مورد استفاده قرار گیرد.

فرض می‌کنیم که مصاحبه‌ای را خیلی خوب انجام داده‌ایم. استاندارد و معیاری که باعث می‌شود یک بخش از این مصاحبه را انتخاب کنیم و بخش‌های دیگر را دور بریزیم مخاطب است. مهارت شغلی در رادیو برخلاف آن چیزی که بعضی‌ها تصور می‌کنند در واقع یک هنر ذاتی نیست که یک فرد داشته باشد، بلکه پیشتر یک صنعت و حرفه است که قابلیت یادگیری دارد و برای همین هم هست که آموزش در رادیو اینقدر اهمیت دارد. هر کس که بیاید و آموزش ببیند و پتانسیل اولیه را هم داشته باشد، می‌تواند آغاز به کار کند.

حالا اگر اجازه بدهید به ادامه بحث پردازیم که قضیه فیچر (Feature) یعنی «گزارش‌های مستند» است. آیا واژه دیگری جایگزین فیچر یا گزارش‌های مستند دارید؟

- مستندهای رادیویی

اینجا یک سؤال مطرح می‌شود. شما واژه‌ای که در فارسی برای Feature Program استفاده می‌کنید «مستند گزارشی» است، درحالی‌که معادل داکيومنتری

(Documentary) در فارسي «مستند» گفته شده. به نظر شما به کدام يك فيچر و به کدام يك داکيومنتري گفته مي شود؟

- من فکر مي کنم داکيومنتري به مستندهاي خيلى تخصصي مثل زندگي حيوانات گفته مي شود که در حال حاضر در ايران برنامه راديويي به صورت گزارش داکيومنتري نداريم. در حال حاضر گزارش هاي ما بيشتري *Subjective* هستند تا *Objective*.

نکته اي که ايشان به عنوان وجه تمايز بين فيچر و داکيومنتري مطرح کردند، اين است که داکيومنتري يا مستند با واقعيت سروکار دارد، مثل واژه «مستند» که شما آن را حس مي کنيد. يعني سند، کاغذي است که شيء است، اما فيچر محدود به اين نيست و مي تواند مسائل انتزاعي و ذهني را هم دربرگيرد. شما مي توانيد در جنگل هم يك گزارش مستند راديويي تهيه کنيد.

تصور عموم بر اين است که برنامه هاي مستند حتماً منحصر به تلويزيون است، مثل برنامه راز بقا که تصاوير جالبي دارد. اما شما مي توانيد در صبحگاه به همين جنگل هاي گيلان برويد و با ضبط کردن صدای پرندگان، صدای حيوانات و توصيف آن چيزي که مي بينيد، يك گزارش مستند راديويي خوب تهيه کنيد.

اگر بخواهید یک فیچر یا مستندی درباره کاغذ بسازید چگونه عمل می‌کنید؟ می‌توانیم با قطع درختان، گزارش را شروع کنیم. بعد می‌توانیم به تدریج با صدا، ساخت کاغذ را نشان بدهیم، حتی می‌توانیم یک بررسی تاریخی درباره تاریخچه کاغذ و نخستین کاغذی که تولید شده بکنیم. می‌بینیم که این موضوع ساده یعنی کاغذ چه جنبه‌های مختلفی دارد. یکی از جنبه‌های آن جنبه اقتصادی آن است؛ برای نمونه کارگرانی که در کارخانه کاغذسازی کار می‌کنند، صنایع وابسته به کاغذ و جنبه‌های زیست محیطی کاغذ. آن وقت است که متوجه می‌شویم چقدر موضوع برای صحبت کردن در مورد همین کاغذ کوچک وجود دارد.

حالا بیایید از زاویه دیگری به کاغذ نگاه کنیم. آیا شما تا به حال نامه‌ای نوشته‌اید؟ در نظر داشته باشید که در گذشته نامه‌نگاری رایج‌ترین شیوه ارتباط بود و بخشی از میراث فرهنگی جهان محسوب می‌شد که متأسفانه در حال منسوخ شدن است.

بیایید به این موضوع فکر کنیم که تمام اشعار، کتاب‌ها، تاریخ‌ها، اسناد، کتاب‌های مقدس و همه چیز در کاغذ نوشته شده و در واقع کاغذ مهم‌ترین عنصر در تاریخ تمدن و فرهنگ بوده است و جالب اینکه همین کاغذ تاریخ ما را شکل داده است و اینکه مردم امروزه کاغذ را به چه منظور

و مقاصدی به کار می‌برند. شاید بتوان برای نمونه دستمال کاغذی را نام برد. پس می‌بینید که چه دستمایه‌های غنی و متعددی وجود دارد که ما می‌توانیم از آنها در تهیه یک برنامه فیچر یا مستند استفاده کنیم.

فکر می‌کنم بهترین معادل برای کلمه فیچر تصویری باشد که ما با صدا به همراه تمامی اجزای آن می‌سازیم؛ تصویری ساخته‌شده از جنس صدا با کلیه اجناس و اجزایش. این همان تعریفی است که می‌شود از فیچر داشت. فیچر به معنای کلیپ نیست اما کلیپ می‌تواند جزئی باشد که در یک فیچر گنجانده می‌شود. در واقع فیچر رسیدگی یا پرداختن به موضوعی است که می‌تواند خیلی وسیع باشد و عناصر رادیویی متعددی را هم می‌توان در آن به کار برد.

آن چیزی که از آن به عنوان داکيومنتری اسم می‌بریم به واقعیت نزدیک‌تر است، چون مسائل فانتزی و خیالی در آن کمتر وجود دارد. در واقع در فیچر شما از جنبه‌های هنری دستتان بازتر است. به عبارت دیگر، جنبه‌های هنری و فانتزی در فیچر می‌تواند بیشتر باشد در حالی که در داکيومنتری ما خیلی محدودتر هستیم.

گزارش، خشک‌ترین، کوتاه‌ترین و متمرکزترین شیوه برای انتقال اطلاعات و یا هر چیزی است که قصد انتقال آن را به مخاطب داریم. برای مثال امروزه ما مطالبی را

خیلی راحت از اینترنت و یا از یک منبع دیگر می‌گیریم و روی کاغذ می‌نویسیم و می‌رویم داخل استودیو آن را می‌خوانیم که در واقع این یک گزارش است.

منظور از خشک بودن این است که بی‌شاخ و برگ است و فقط اصل مطلب را بیان می‌کند. وقتی می‌خواهید گزارش‌هایتان پیچیده‌تر شود، باید از امکانات دیگری مثل جلوه‌های صوتی هم استفاده بکنید.

گزارش می‌تواند در عین حال که ساده و خشک است پیچیده هم باشد، یعنی جنبه‌های گوناگونی را در بر بگیرد. برای مثال اگر قرار بود که من یک گزارش ۴ دقیقه‌ای _ که معمول گزارش‌های رادیویی است و حتی امروزه طولانی هم به نظر می‌رسد _ از این جشنواره بدهم، حداقل نظر ۳ یا ۴ نفر از شرکت‌کنندگان را در آن گزارش می‌گنجاندم. به‌علاوه اینکه رخدادهای هم بیان می‌کردم، یعنی واقعیت‌هایی را که اتفاق افتاده است، نظیر ساعت و زمان برگزاری.

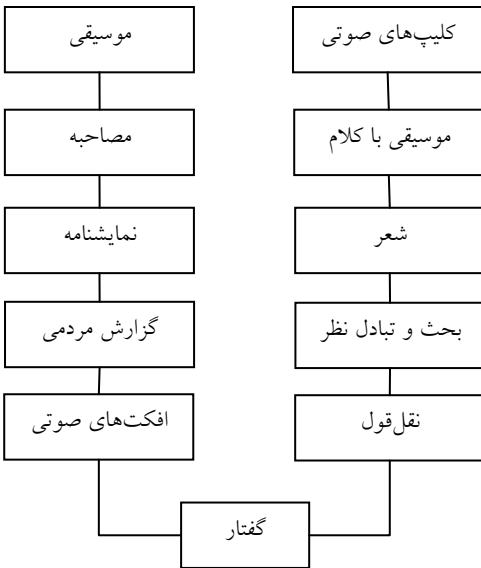
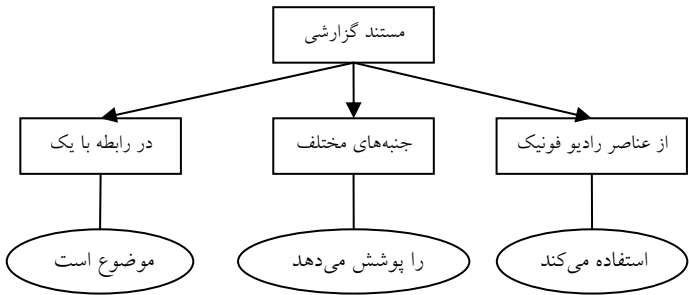
تحقیق و پژوهش هم برای داکيومنتری و هم برای فیچر لازم است. البته برای گزارش، ما ناچاریم به آن چیزی که در اختیار داریم اکتفا بکنیم. اما اگر قرار است یک مستند یا فیچر بسازیم که زمان آن هم طولانی است و وقت بیشتری هم داریم، طبیعتاً باید تحقیق انجام دهیم. اینکه

تحقیق تا چه حد باید علمی باشد بستگی به موضوع آن مستند موردنظر دارد.

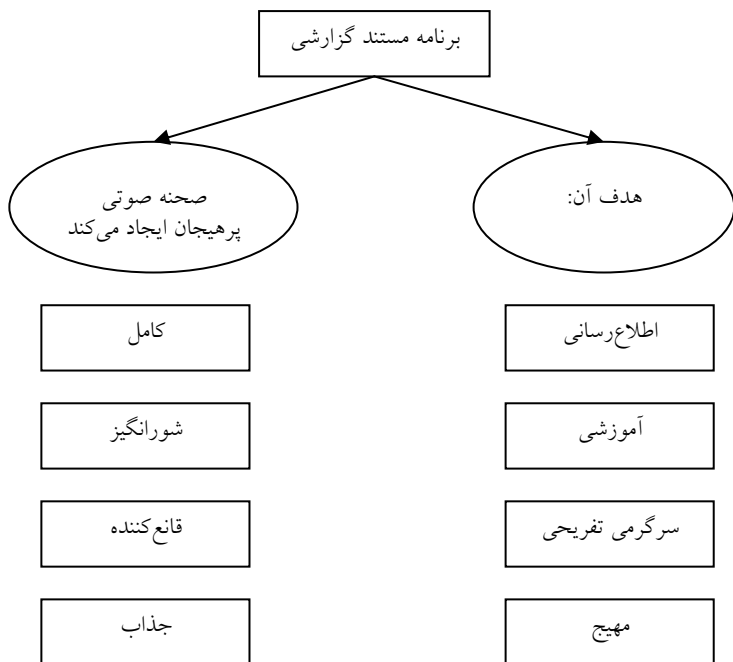
امتیاز این قبیل برنامه‌ها این است که وقتی از صداهای اصلی و سرصحنه در برنامه‌تان استفاده می‌کنید، باعث می‌شود که اعتبار و باورپذیری موضوع برنامه بیشتر شود. همچنین تفهیم مضامین و مفاهیم پیچیده به مخاطب تسهیل می‌شود. چون در این نوع برنامه‌ها شما از جلوه‌های صوتی و صداهای سرصحنه استفاده می‌کنید. به همین خاطر مخاطب می‌تواند در ذهن خودش تصویرسازی کند و فهم مطلب برایش آسان‌تر شود. هنگامی که اطلاع‌رسانی شما توأم با سرگرمی باشد، درواقع شما، هم اطلاع‌رسانی کرده‌اید و هم برنامه‌ای سرگرم‌کننده ساخته‌اید. اینجاست که موفق هستید. به همین دلیل است که من فکر می‌کنم ما برنامه‌سازها باید بیشتر به سمت ساخت فیچر تمایل داشته باشیم.

خلاصه‌ای از بحث امروز را به صورت گرافیکی آماده کرده‌ایم و موضوعات مربوط به فیچر در آن ذکر شده است:

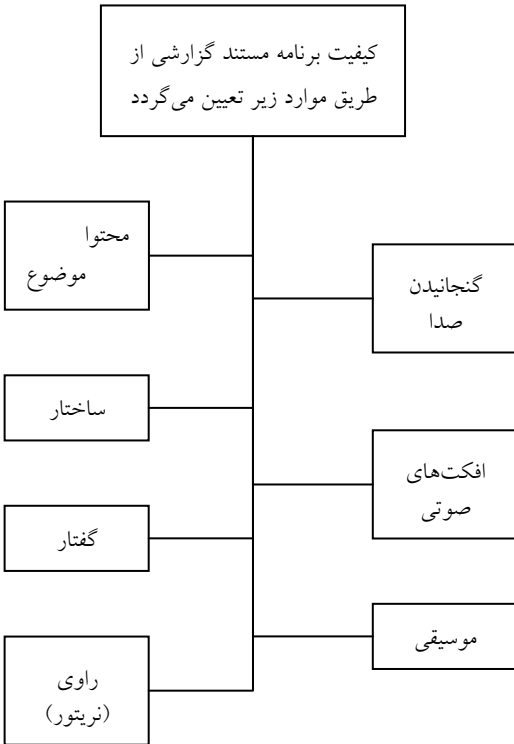
مستند گزارشی (۱)



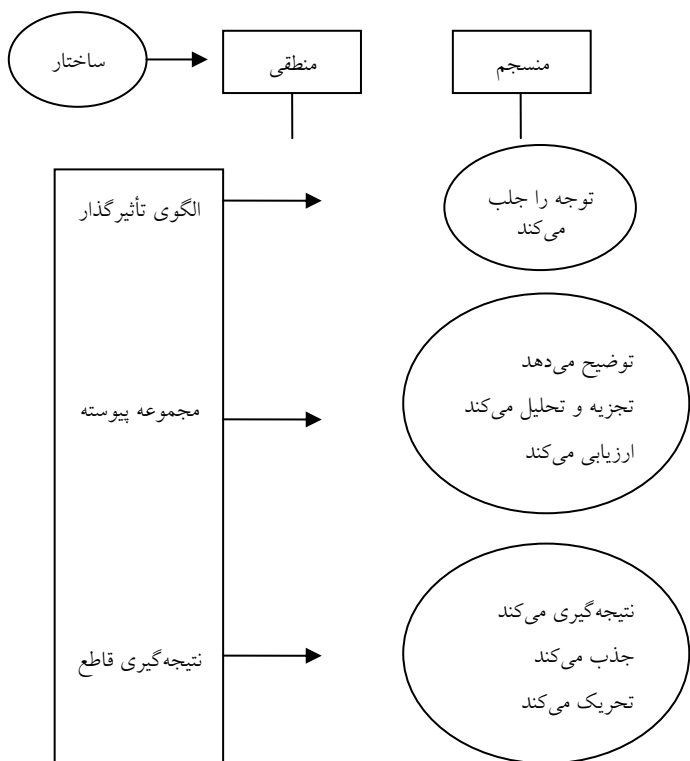
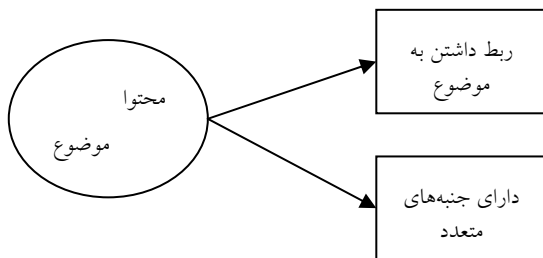
برنامه مستند گزارشی (۲)



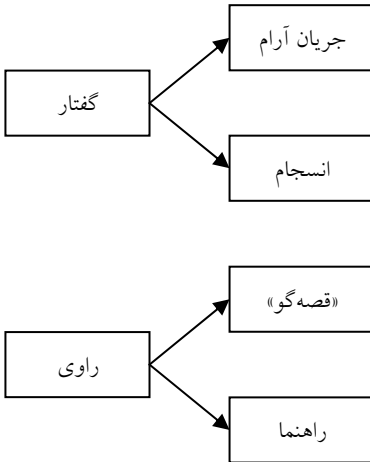
مستند گزارشی (۳)



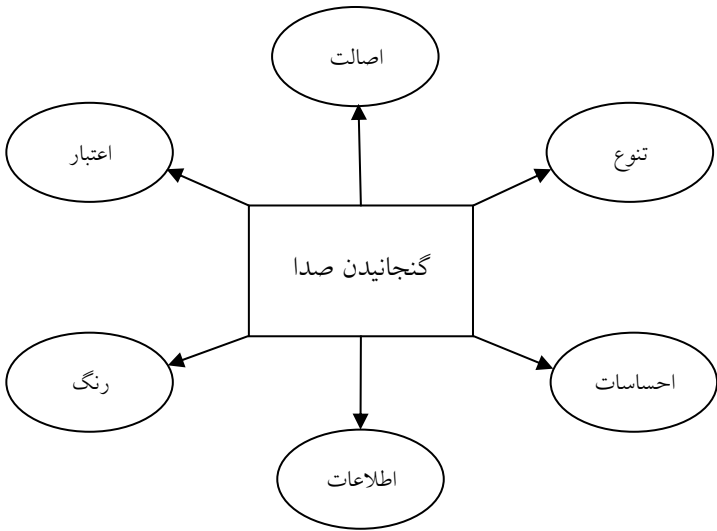
برنامه مستند گزارشی (۴)



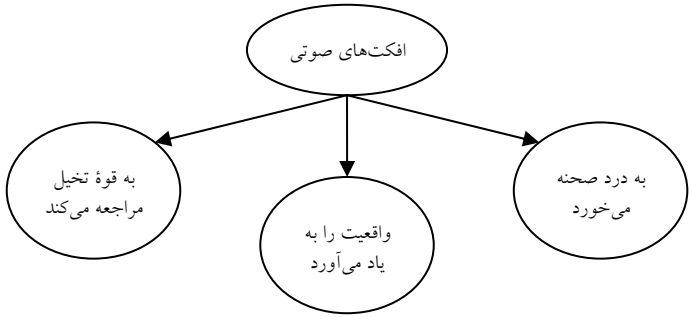
برنامه رادیویی بلند (۵)



برنامه رادیویی (۶)



برنامه رادیویی بلند (V)



برنامه رادیویی بلند (۸)

موسیقی

حالتی را خلق
می‌کند

به‌عنوان یک پل
عمل می‌کند

به پیام تداوم
می‌بخشد

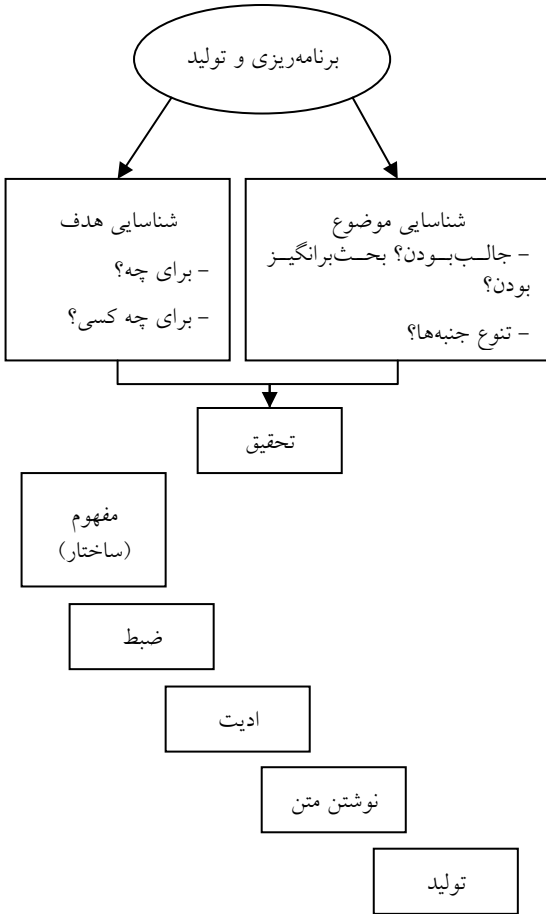
وقفه‌ای را ایجاد
می‌کند

از موسیقی در «نقاط خطر» استفاده کنید

(جایی که تمرکز شنونده نزول می‌کند)

«نقطه خطر»: در ۲، ۵، ۸، ۱۶، ۲۱، ۲۷

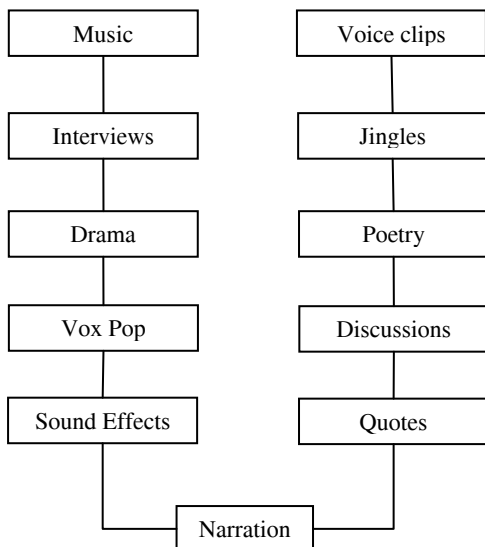
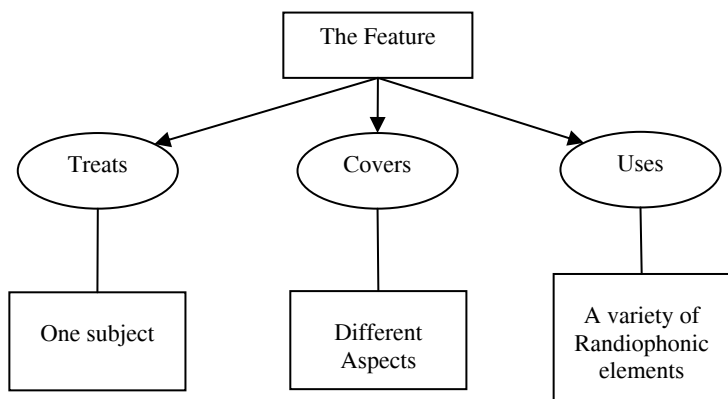
برنامه رادیویی بلند (۹)



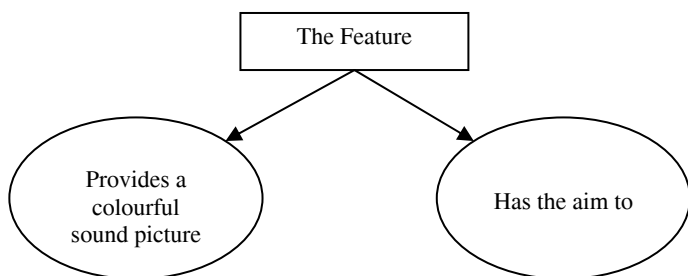
قطعات گزارشی - کلیپ رادیویی



The Feature (1)



The Feature (2)



Complete

Colourful

Convincing

Compelling

Inform

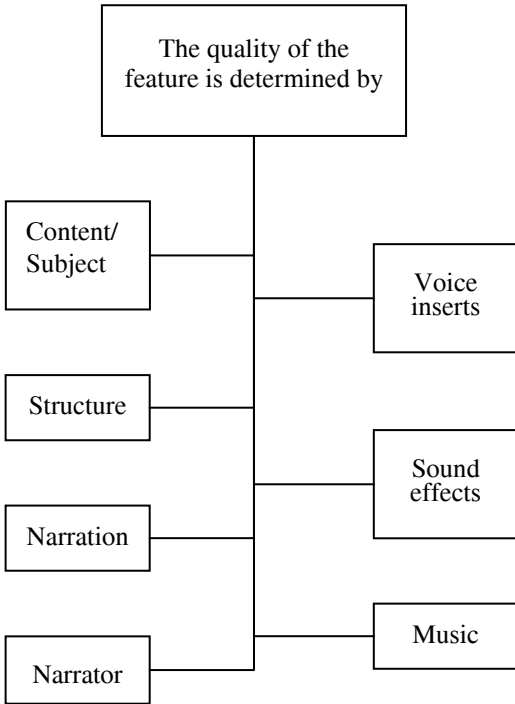
Educate

Entertain

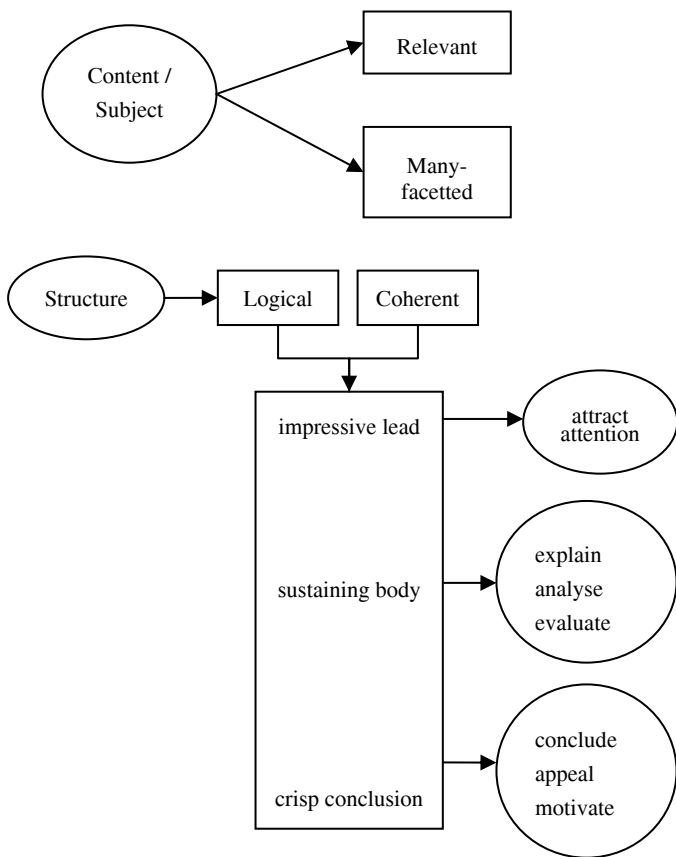
Move

Inspire

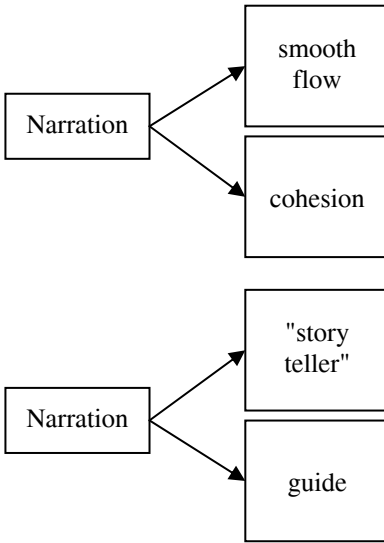
The Feature (3)



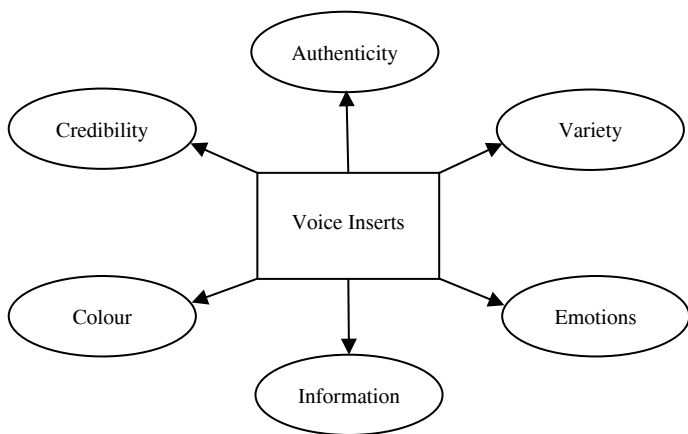
The Feature (4)



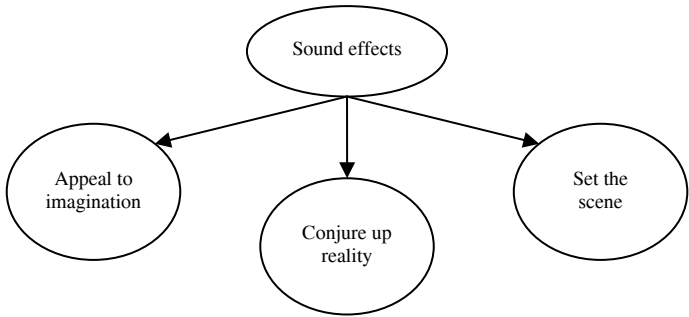
The Feature (5)



The Feature (6)



The Feature (7)



The Feature (8)

Music

creates a
mood

serves as a
bridge

supports the
message

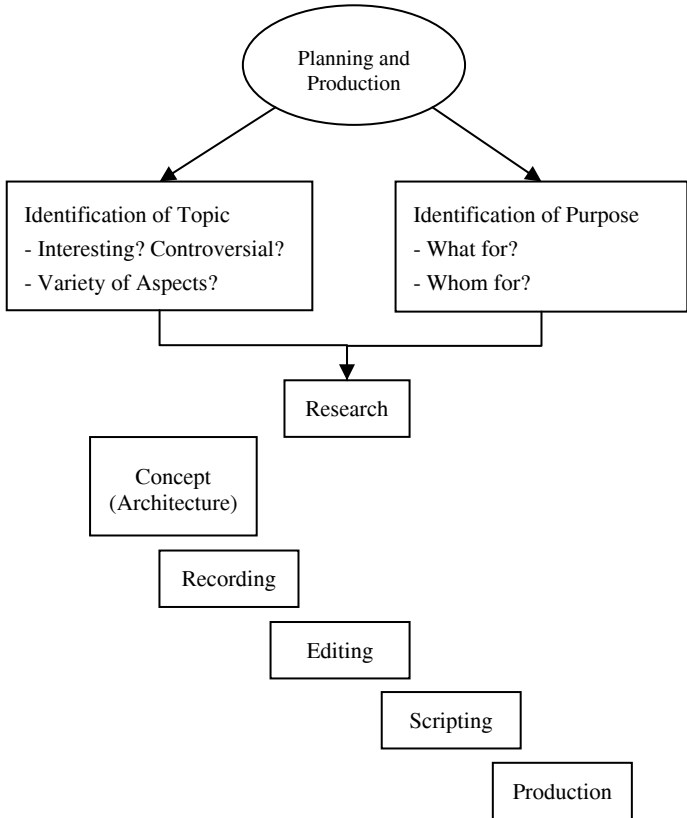
Provides a
break

Use music at "danger spots"

(where listener's concentration tends to go down)

"Danger spots": at 2, 5, 8, 16, 21, 27

The Feature (9)



The Mini- Feature / - Report with clips

